



داستان جنگیدن یک زن در دنیایی که برای مردها ساخته شده است

ترسو بودن جذاب نیست



جدول مشخصات سریال

نام فیلم
The Marvelous Mrs. Maisel

کارگردان
Amy Sherman-Palladino

امتیازها

IMDB
۱۰/۸٫۷

Rotten Tomatoes
٪۹۰



خانم میزل شگفت‌انگیز سریالی کمدی، درام و گاهی عاشقانه است. دنیایی که با آن مواجه می‌شویم، نیویورک دهه ۱۹۶۰ است. نیویورکی که هنوز در آن زنان خانه‌دار ارج و قرب بالاتری نسبت به زنان شاغل دارند. به خصوص اگر شغل آن‌ها، اجرای استندآپ کمدی در کلوب‌های شبانه باشد. آن چیزی که در وهله اول شما را جذب خود می‌کند، موسیقی و طراحی لباس بی نظیر سریال است. غیر ممکن است به عنوان یک خانم (و حتی آقا) سریال را ببینید و از لباس‌های متنوع و شیک و رنگارنگ میچ لذت نبرید. در واقع طراحی لباس یکی از عوامل مهمی است که سازندگان سریال برای ساخت کاراکتر میزل از آن بهره گرفته‌اند. خانم میزل هیچ وقت بدون کلاه از خانه بیرون نمی‌رود. کلاه‌های متنوع میچ یکی از چیزهایی است که هیچ یک از مخاطبان سریال آن را فراموش نخواهند کرد.

می‌تواند زنی کامل، جذاب و کدبانو مانند او را ترک کند؟ و این لحظه، این عصبانیت، این ناباوری، شروع مسیر تبدیل شدن او به خانم میزل شگفت‌انگیز است. مسیری که بدون حضور سوزی، گارسون کلوب، آغاز نمی‌شود.

همان شبی که میچ با خبر غیرمنتظره جوئل روبه‌رو می‌شود، مست و از خود بی‌خود به کلوب همیشه‌گی و روی صحنه می‌رود و شروع به تعریف ماجرا می‌کند. و این لحظه‌ای است که ما و سوزی، متوجه چیزی می‌شویم که خود میچ نمی‌داند، اینکه استعداد میچ در اجرا استندآپ کمدی صدها برابر بیشتر از جوئل است. در حالیکه جوئل چندین سال روی صحنه بود و هیچ پیشرفتی نداشت، میچ در یک شب تعداد زیادی طرفدار پیدا می‌کند. و این همان دنیا مردانه‌ای است که خانم میزل باید برای پذیرفته شدن در آن بجنگد، جنگی که در طول سه فصل ما شاهد آن هستیم.

خانم میزل شگفت‌انگیز سریالی کمدی، درام و گاهی عاشقانه است. دنیایی که با آن مواجه می‌شویم، نیویورک دهه ۱۹۶۰ است. نیویورکی که هنوز در آن زنان خانه‌دار ارج و قرب بالاتری نسبت به زنان شاغل دارند. به خصوص اگر شغل آن‌ها، اجرای استندآپ کمدی در کلوب‌های شبانه باشد. آن چیزی که در وهله اول شما را جذب خود می‌کند، موسیقی و طراحی لباس بی نظیر سریال است. غیر ممکن است به عنوان یک خانم (و حتی آقا) سریال را ببینید و از لباس‌های متنوع و شیک و رنگارنگ میچ لذت نبرید. در واقع طراحی لباس یکی از عوامل مهمی است که سازندگان سریال برای ساخت کاراکتر میچ میزل از آن بهره گرفته‌اند. خانم میزل هیچ وقت بدون کلاه از خانه بیرون نمی‌رود. کلاه‌های متنوع میچ یکی از چیزهایی است که هیچ یک از مخاطبان سریال آن را فراموش نخواهند کرد.

به صورت کلی شخصیت پردازی سریال خانم میزل شگفت‌انگیز بسیار حرفه‌ای و جذاب است. دیالوگ‌ها، حرکات بدن و میمیک صورت، عادات و لباس‌های تک تک کاراکترها طوری طراحی و اجرا شده‌اند که بعد از دیدن چند قسمت احساس می‌کنید سال‌هاست آن‌ها را می‌شناسید و می‌توانید رفتارهایشان را پیش‌بینی کنید. چه این شخصیت‌ها و ویژگی‌ها، پدر میچ و استاد سخننگری ریاضی باشد و چه زلدا، خدمتکار وایزمن‌ها. بدون شک شما با تماشای رفتارها و دیالوگ‌های شریلی و مویس میزل (مادر و پدر جوئل)، زو وایزمن (مادر میچ) و ایموچین (دوست صمیمی میچ) قهقهه خواهید زد و در عین حال همراه با میچ و سوزی برای تمام موانع سر راه او غصه خواهید خورد.

آنچه میچ میزل به ما می‌دهد، فراتر از یک سریال ۴۳ قسمتی پر از رنگ و موسیقی و خنده است. میچ میزل دست از هدفش بر نمی‌دارد. من شخصاً کاملاً مخالف باورهای روانشناسی مثبت‌گرا هستم، به باورهایی که به شما می‌گویند بخواهید تا بشود. همه ما می‌دانیم که فقط خواستن نمی‌تواند ما را به هدف برساند. اما به تلاش، صبوری و پشتکار ایمان دارم. همان عواملی که میریام را به خانم میزل شگفت‌انگیز تبدیل کرد. خانم میزل شگفت‌انگیز، همان چیزی را به ما یاد می‌دهد که در اجرای چهار دقیقه‌ای حیرت‌انگیز میریام در فصل آخر می‌شنویم: «من یک زندگی بزرگ می‌خواهم. می‌خواهم همه چیز را تجربه کنم. می‌خواهم قوانین را بشکنم. همه می‌گویند جاه طلبی یک ویژگی غیرجذاب برای زن‌ها است. اما می‌دانید چه چیزی واقعا غیرجذاب است؟ اینکه در انتظار یک اتفاق یا پنجره به بیرون خیره شویم و به این فکر کنیم که زندگی که باید در آن باشیم جایی آن بیرون است، ولی حاضر نیستیم در آن باز کنیم و به دنبال آن برویم. ترسو بودن فقط در داستان جادوگر شهر از جذاب است، نه در دنیا واقعی!»

نوشین تقیلی

نویسنده

فکر می‌کنم همه ما در خلوت خودمان چند باور خرافی راجع به نشانه‌ها داریم، حتی اگر نخواهیم به آنها اعتراف کنیم. یکی از این باورهای من، اعتقاد به دیدن فیلم یا سریال مناسب در زمان مناسب است. احساس می‌کنم هر بار که حال خوبی ندارم، دنیا یک سریال خاص را در معرض دید من قرار می‌دهد تا با دیدن آن کمی حالم بهتر شود.

تا بستان سال گذشته، یکی از بدترین دوره‌های زندگی من به عنوان یک دختر بود. آن روزها با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کردم که به گمانم بیشتر خانم‌های شاغل با آن روبه‌رو هستند. معضلی به نام دست کم گرفته شدن در محل کار. گاهی اوقات مهم نیست که از همکاران مرد خود سواد و تخصص بالاتر یا تجربه بیشتری داشته باشید، کارفرما و مدیری که ذهنی جنسیت‌زده داشته باشد، به راحتی می‌تواند همه اینها را زیر سؤال ببرد. اگر به این موضوع نگاه‌ها و رفتارهای آزار دهنده برخی از همکاران را هم اضافه کنید، همان جهنمی حاصل می‌شود که من در آن مشغول بودم. در شرایطی اعتماد به نفس و سطح انرژی‌ام به پایین‌ترین حد ممکن رسیده بود، تصمیم گرفتم سریال خانم میزل شگفت‌انگیز را ببینم. انتخابم دلیل خاصی نداشت. در اپلیکشنی که فیلم می‌بینم دنبال سریالی می‌گشتم که کمی حال و هوایم عوض شود و نام این سریال جذامی بود و به محض شروع، باورم به اینکه سریال مناسب در زمان مناسب در معرض دید من قرار می‌گیرد قوت گرفت.

ماجرای خانم میزل از کجا شروع می‌شود؟ میریام میزل، که همه او را میچ صدا می‌زنند، زنی به غایت زیبا و کدبانو است. میچ از آن دسته از دخترانی است که تربیت شده‌اند تا همسری جذاب و کامل باشند. وقتی در ابتدای سریال با عادت‌های روزانه میچ روبه‌رو می‌شویم، به عنوان یک زن مدرن احساس ناراحتی می‌کنیم. خانم میزل داستان، مانند مادرش و سایر زنانی که دور و بر او هستند، همواره در تلاش است تا زیبا، شیک و خوش اندام باشد. البته که هیچ کدام از این صفات به خودی خود بد نیستند. ولی اگر مانند میچ هر روز صبح قبل از همسر خود از خواب بیدار شوید و آرایش کنید و موهای خود را مرتب کنید و دویاره خودتان را به خواب بزنید تا او با چهره طبیعی و ژولیده صبحگاهی شما روبه‌رو نشود، قطعاً دچار یک مشکل جدی هستید! اما خلاف ما، میریام از این شرایط ناراضی نیست. هر روز صبح زود در زیباترین و آراسته‌ترین شکل ممکن آماده می‌شود، فرزندانش را به مهد کودک و پارک می‌برد، به کلاس ورزش می‌رود و سایر تمام قسمت‌های بدن خود را اندازه می‌گیرد و یادداشت می‌کند و در نهایت یک خوراکی مرغی بنقص و خوشمزه درست می‌کند تا دل صاحب کلوب شبانه‌ای را که هر شب با شوهرش به آنجا می‌روند به دست بیاورد. اشتباه نکنید، میچ میزل این کار را برای خودش انجام نمی‌دهد. شوهر میچ، جوئل میزل، علاقه زیادی به اجرا استندآپ کمدی دارد و چند شب در هفته به همراه میچ به کلوبی در مرکز شهر می‌رود تا اجرا کند. و اینجاست که میچ با دستپخت خود دل صاحب کلوب را نرم می‌کند تا وقت بهتری به جوئل بدهد.

ولی این حباب احساس خوشبختی اطراف میچ شب یک کامپیورچشن پایان ایام روزه‌داری یهودیان) می‌ترکد. جوئل بدون هیچ مقدمه‌ای اعلام می‌کند که عاشق منشی دفتر خود شده و می‌خواهد میچ را ترک کند. این موضوع برای میچ غیرقابل باور است. چطور جوئل

پول چگونه و چقدر بر اعتماد به نفس ما تأثیر می‌گذارد. احتمالاً برای شما نیز پیش آمده که پول کمی در حساب‌تان باشد و به خرید بروید. در چنین شرایطی و زمانی که می‌خواهید کارت را به فروشنده دهید قطعاً با نگرانی‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوید و درک می‌کنید که بی‌پولی در آن لحظه چقدر اعتماد به نفس‌تان را تضعیف می‌کند. به گونه‌ای که حتی شاید با ترس و لرز کارت را به فروشنده دهید. در شرایطی برعکس اما اوضاع کاملاً متفاوت است. زمانی که از حساب بانکی‌تان مطمئنید خیلی با اعتماد به نفس بیشتری به خرید می‌روید. این موضوع صرفاً محدود به خرید نیست. در واقع پول در شرایط مختلف بشدت بر اعتماد به نفس ما تأثیر می‌گذارد و می‌تواند مایه نگرانی یا آرامش خاطر ما باشد.

سالانه انسان‌های زیادی به دلیل بی‌پولی و در نتیجه عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مختلف جان خود را از دست می‌دهند. چه بسیاری از انسان‌هایی که بیماری‌شان صرفاً به دلیل بی‌پولی روز به روز شدیدتر می‌شود و یک مسأله کوچک آنان را با بیماری‌های جدی روبه‌رو می‌کند. چه بسیاری از افرادی که به خاطر بی‌پولی توانایی مراجعه به پزشک، روانپزشک یا روانشناس را ندارند. به صورت کلی باید گفت که سلامتی ما به شدت با پول گره خورده است. پول نه تنها امکان تحصیل را برای ما فراهم می‌کند بلکه احتمال موفقیت تحصیلی ما و راهیابی ما به دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر را نیز بالا می‌برد. پول بر تحصیل و موفقیت تحصیلی ما نیز در زندگی تأثیر بسزایی می‌گذارد. یکی از بدترین چیزها درباره فقر این است که فقر، مغز فرد فقیر را هم از او می‌گیرد. شما ممکن است برایتان سؤال پیش بیاید که آیا تصمیمات بد اقتصادی یک فرد باعث می‌شود که فقیر بشود یا فقرش باعث تصمیمات بد می‌شود؟

واقعیت این است که فقر، مغز را در حالت یک استرس مزمن نگه می‌دارد. تصور کنید که دائماً نگران هستید، نگران درآمد از پس هزینه‌هایی که هم‌اکنون در حال بالاتر رفتن هستند و هیچ چیز هم در شرایطتان بهتر نمی‌شود. این نگرانی‌های مربوط به فقر آنقدر از مغز انرژی می‌گیرد که مغز توانایی برای کارکردهای دیگر ندارد. واقعیت این است که آدم‌هایی که فقیر هستند در خیلی موارد ریسک‌ها و ضررها و منافع تصمیمات خودشان را نمی‌توانند محاسبه کنند و برای همین کارهایی می‌کنند که این چرخه فقر ادامه پیدا می‌کند و شرایطشان بدتر می‌شود. پس اگر شما کسی را می‌بینید که وضعیت خوب نیست و همزمان کارهایی می‌کند که از نظر شما خیلی خیلی اشتباه است، یادتان باشد که فقر نه تنها قدرت ذهن را پایین می‌آورد، بلکه استرس‌ساز توان تصمیم‌گیری درست را هم از آدم‌ها می‌گیرد.

در مقاله‌ای خوانده بودم که وقتی کسی می‌خواهد لاغر شود، یکی از اولین توصیه‌هایی که به او می‌کنند این است که شام نخورد. کاری که برای اکثر افراد آنقدر سخت نیست. اما فرض کنید چنان فقیر هستید که نمی‌توانید شام بخورید. آن وقت است که از صبح ذهنتان درگیر این مسأله است که برای شام باید چکار کنم؟ این تجربه چیزی است که محققان به آن می‌گویند کاهش پنهان‌دانه ذهنی، چیزی که باعث می‌شود فقرا مداوم تصمیمات بد بگیرند.

پول گره خورده است. اغلب فعالیت‌هایی که ما انجام می‌دهیم و بسیاری از تصمیم‌هایی که می‌گیریم با هدف دستیابی به پول هستند. پول یک دغدغه ذهنی مهم و سنگین برای اغلب ما شده است. در واقع پول امنیت روانی ما جهت ادامه زندگی را فراهم می‌کند. هر فردی در زندگی به این امنیت روانی نیازمند است. پس به راحتی می‌توان پول را یک عنصر حیاتی در زندگی معرفی کرد. پول با کمک به مستقل شدن ما نقش مهمی را در زندگی ما بازی می‌کند و حتی ارتباط زیادی بین پول و احساس خوشبختی ما وجود دارد. هر فردی که مدتی در فقر یا بی‌پولی زندگی کرده باشد به سادگی می‌تواند درک کند که

